

مکت

حماس چگونه شکل گرفت؟

جنبشی مردمی «حماس» مختصر نام «جنبش مقاومت اسلامی فلسطین» است که در پی ایجاد شرایط لازم جهت آزادی این کشور از ظلم و تجاوزگری صهیونیست ها و حامیان آنهاست. این جنبش انقلابی با برخورداری از حمایت توده های مردم، براین باور است تا آزادی فلسطین از نهر تا بحر به مبارزات خود ادامه می دهد. شعار این جنبش در قالب لوگوی آن ترسیم شده به این معنا که تصویر مسجدالاقصی به عنوان نقشه کوچک فلسطین تصور شده است که توسط دو علم، به شکل یک نصف قوس دیده و محافظت می شود.

عبارت «لا اله الا...»، «محمد رسول...» به اسلامی بودن این جنبش اشاره دارد و شمشیر نشانه موضع قدرت، ثبات و شرافت این جنبش در دفاع از آرمان فلسطین است.

حماس در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۷، بیانیه تأسیس خود را منتشر کرد اما جرقه های اولیه شکل گیری آن به دهه ۴۰ قرن گذشته برمی گردد. این جنبش در امتداد جنبش اخوان المسلمین شکل گرفت و قبل از اعلام موجودیت، اخوان المسلمین برای بیان مواضع خود در قبال مسأله فلسطین اسم های دیگری چون «جنبش پیکار اسلامی»، «حامیان سرزمین اسرا» و... را مطرح کرد.

حوادث متعددی که در پی اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ و به خصوص بعد از شکست ۱۹۶۷ روی داد، زمینه شکل گیری جنبش حماس را فراهم آورد. این حوادث نتیجه دو عامل اساسی است؛ یکی تحولات سیاسی عرصه فلسطین و مسائل بعد از آن تا پایان سال ۱۹۸۷ و دیگری تحولات پیداری اسامی و قضایای بعد از آن تا نیمه دهه ۸۰.

تحولات سیاسی

ملت فلسطین به تدریج پی برد که با مسأله مرگ و زندگی روبه روست، چرا که جریان درگیری اعراب و مسلمانان با صهیونیست ها و فضایی دیگری چون مسأله آوارگان، بازسازی ویرانه های تجاوز رژیم صهیونیستی و نادیده گرفتن دوسوم خاک فلسطین بعد از شکست ۱۹۶۷ باعث شد تا ملت فلسطین احساس کند که خود باید به فکر چاره باشد و از همین رو گروه های مقاومت مردمی شکل گرفت.

این در حالی بود که سازمان آزادیبخش فلسطین در دهه ۸۰، نوعی بازگشت به عقب داشت و در دو عرصه داخلی و خارجی در رویکرد انقلابی خود ضعیف عمل کرد و بر خلاف مفاد منشور ملی فلسطین حقوق ملت فلسطین را ضایع کرد و بعد از اعضای توافق نامه کمپ دیوید و تجاوز صهیونیست ها به لبنان و محاصره بیروت در سال ۱۹۸۲ امتحانهای بیشتری به دشمن داد.



در پی این محاصره سه ماهه که هیچ عکس العملی از جانب اعراب رخ نداد، سازمان آزادیبخش فلسطین تضعیف و از لبنان خارج شد تا حدی که عده ای در این جنبش شعار سازشی سر دادند و به این ترتیب عملاً وجود رژیم صهیونیستی در خاک فلسطین مورد پذیرش واقع شد و صهیونیست ها بخش اعظمی از خاک فلسطین را جزو سرزمین های اشغالی به شمار آوردند.

با شروع جنگ ایران و عراق، مسأله فلسطین در حاشیه قرار گرفت و به موازات آن رژیم صهیونیستی که در سال ۱۹۸۱ با آمریکا توافق نامه امنیتی امضا کرده بود بر سختگیری های خود افزود. در چنین شرایطی و در حالی که سران عرب به دولت آمریکا و سردمداران آن دل بسته بودند رژیم صهیونیستی با حمایت این کشور در سال ۱۹۸۵، مقر سازمان آزادیبخش فلسطین در تونس را هدف قرار داد و در عرصه بین المللی نیز به دلیل توجه اتحاد جماهیر شوروی به مسائل داخلی، آمریکایی ها فضای بیشتری برای یکه تازی خود در منطقه فراهم می دیدند.

۲ پیداری اسلامی

فلسطین بیش از دیگر کشورهای عربی با رشد پیداری اسلامی روبه رو بوده است و همین امر باعث شد تا جنبش های اسلامی فلسطین از لحاظ فکری و تشکیلاتی توسعه یابند.

به دلیل بی توجهی دولت های عرب به مسأله فلسطین و شکل گیری جریان سازش در این کشور و پیامدها منفی مترتب بر این رویکرد و نیز شکل گیری نفع فکری مقاومت مردمی در داخل و خارج فلسطین، شکل گیری جنبشی جهادی با رویکرد اسلامی ضرورت داشت که نشانه های پیدایش آن در سال ۱۹۸۱ و با شکل گیری مجموعه شیخ احمد یاسین در سال ۱۹۸۳ و دیگر مجموعه های جهادی آشکار شد.

از دیگر عوامل ایجاد روحیه مقاومت در برابر سیاست های ظالمانه دشمن صهیونیستی و اقدامات سرکوبگرانه آن، مقابله گروه های دانشجویی در دانشگاه الحیاح و دیگر دانشگاه های کرانه باختری و دانشگاه اسلامی غزه با مقامات این رژیم بود. در ۶ دسامبر ۱۹۸۷، راننده یک کامیون صهیونیستی، وانت حامل کارگران فلسطینی را زیرگرفت که در پی آن چهار نفر از ساکنان اردوگاه جبالیه کشته شدند. این اقدام باعث شد تا جنبش جهاد اسلامی فلسطین، نخستین بیانیه خود را در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۷ منتشر کند و از آغاز مرحله جدیدی از مبارزات مردمی فلسطین بر ضد رژیم صهیونیستی سخن بگوید.

در اواخر قرن ۱۹ یک یهودی افراطی به نام «تنودور هرتزل» ایده دولت یهود را مطرح کرد و درست یک سال پس از طرح ایده دولت یهود توسط هرتزل، اولین کنگره صهیونیست ها در شهر «بال» سوئیس در سال ۱۸۹۷ میلادی برگزار و سازمان جهانی صهیونیستی تأسیس شد. از آن پس کنگره های زیادی توسط صهیونیست ها در گوشه و کنار دنیا برگزار شد و در نهایت به این نتیجه رسیدند که منطقه ای مناسب تر از سرزمین حاصلخیز فلسطین برای آنها پیدا نخواهد شد و درصدد برآمدند تا به آنچه «آبراهام نیش» روزنامه نگار یهودی در سال ۱۸۶۰ میلادی نوشته بود، جامه عمل بپوشانند. بنیانگذاران و بانیان اصلی تشکیل حکومت صهیونیستی، یهودیان سراسر دنیا را به انحای مختلف تشویق می کردند به سرزمین فلسطین مهاجرت کنند و در نتیجه زمین های فلسطینیان را یا خریدند یا به زور تصاحب کردند و سرانجام در سال ۱۹۴۸ میلادی با مساعدت بی شائبه بریتانیا و آمریکا، اعلام موجودیت کردند.



۴ انتفاضه سنگ ۱۹۷۸

اول فلسطین بود. ولی کار به همین جا ختم نشد و انتفاضه شهر به شهر گسترش یافت. در آن انتفاضه ۱۳۰۰ فلسطینی شهید شدند. بالاخره شعله های این انتفاضه در سال ۱۹۹۱ فروکش کرد و با امضای توافقنامه اسلومیان رژیم اشغالگر قدس و سازمان آزادی بخش فلسطین در سال ۱۹۹۳ به طور کامل متوقف شد. آغاز انتفاضه نخست فلسطینیان و قیام مردمی در برابر اشغالگران صهیونیست علل و عوامل متعددی داشت که در زیر برخی از آنها آمده است؛ شکست مبارزات پیشین فلسطینی ها، فشار مضاعف صهیونیست ها بر فلسطینیان، روند سازش اعراب با اسرائیل، انقلاب اسلامی ایران.

انتفاضه اول فلسطین یا انتفاضه سنگ از هشتم دسامبر ۱۹۷۸ تا برگزاری کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۳ ادامه یافت. انتفاضه نخست با زیر گرفته شدن چند کارگر فلسطینی توسط یک کامیون اسرائیلی و شهادت ۴ فلسطینی آغاز شد و فلسطینیان این تصادف را قتل عمد دانستند و روز بعد هنگام تشییع پیکر هابه مقر ارتش رژیم صهیونیستی در جبالیله سنگ زدند. در مقابل سربازان صهیونیست اقدام به شلیک تیر هوایی کردند. فلسطینیان نیز با باران سنگ و کوکتل مولوتف جواب آنها را دادند. این باعث شد ارتشیان درخواست نیروی کمکی کنند. این جرقه اولیه انتفاضه

۴ تجاوز به لبنان ۱۹۸۲

در پنجم ژوئن ۱۹۸۲ و کمتر از ۶ هفته پس از عقب نشینی کامل اسرائیل از صحرای سینا، تشدید درگیری های اسرائیل و فلسطینی ها به حمله های هوایی اسرائیل به بیروت و جنوب لبنان انجامید که سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) در آنجا پایگاه هایی داشت. در ۱۴ ژوئن، نیروی زمینی اسرائیل به لبنان حمله کرد و تا حومه بیروت پیش رفت و آن شهر را به محاصره درآورد. اما دولت اسرائیل موافقت کرد که از پیشروی دست بردارد و با سازمان آزادی بخش فلسطین مذاکره کند. پس از تأخیر بسیار و در پی گلوله باران گسترده و شدید غرب بیروت از سوی ارتش اسرائیل، سازمان آزادی بخش فلسطین زیر نظر نیرویی چندملیتی شهر را تخلیه کرد. سرانجام ارتش اسرائیل از غرب بیروت عقب نشست و در ژوئن ۱۹۸۵ به طور کامل از لبنان خارج شد. با این حال، درگیری ها ادامه یافت. در ۹ دسامبر ۱۹۸۷ ناآرامی های تازه ای میان فلسطینی های ساکن سرزمین های اشغالی نوار غزه، کرانه باختری و بیت المقدس صورت گرفت.

۴ انتفاضه الاقصی ۲۰۰۰

کشته شدن ۴۴۱۲ فلسطینی و زخمی شدن ۴۸ هزار ۳۲۲ نفر شد و در طرف مقابل ۱۰۶ نفر صهیونیست به هلاکت رسیده و ۴۵۰۰ نفر دیگر زخمی شدند. در این انتفاضه مناطق مختلف کرانه باختری و باریکه غزه در معرض تجاوزات نظامی ارتش صهیونیستی قرار گرفت و هزاران باب منزل ویران و هزاران دونوم از اراضی کشاورزی تخریب گشت. گروه های مقاومت فلسطین در جریان انتفاضه دوم، درصدد توسعه شاخه های نظامی خود برآمدند و گردان های شهید عزالدین قسام، شاخه نظامی جنبش حماس سلاح های مورد استفاده خود را توسعه داد و توانست موشک هایی تولید کند که با استفاده از آنها شهرها و شهرک های صهیونیست نشین را هدف قرار می داد. شهرک اسدوروت در جنوب فلسطین اشغالی آماج نخستین موشک بومی گردان های قسام قرار گرفت و یک سال پس از آغاز انتفاضه الاقصی و در تاریخ ۱۲ کتبر سال ۲۰۰۱ نخستین موشک بومی این گردان ها به سمت این شهرک شلیک شد.

جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶

تایستان سال ۲۰۰۶ رژیم صهیونیستی حمله ای گسترده و همه جانبه علیه لبنان انجام داد. در این جنگ که ۳۳ روز به درازا کشید گستره عملیات اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه، تمام مناطق جنوبی لبنان تا جنوب بیروت را شامل می شد. حجم و شدت حملات چنان سنگین بود که خرابی های زیادی به بار آورد. در طول این جنگ در سراسر جهان واکنش های متفاوتی به وجود آمد. کشورهای آمریکا، کانادا، آلمان و استرالیا از حملات رژیم صهیونیستی حمایت کردند و آن را دفاع از خود نامیدند.

وقت آمریکا جورج دبلیو بوش این جنگ را بخشی از جنگ با تروریسم نامید. در ۲۰ جولای ۲۰۰۶ میلادی کنگره آمریکا از رژیم صهیونیستی حمایت کرد. تحولات بعد از جنگ ۳۳ روزه نشان داد که پیشگویی بن گوریون، نخستین نخست وزیر رژیم صهیونیستی در حال تحقق است و اسرائیل گام به گام در حال از دست دادن مواضع و نزدیک شدن به سرنوشت نهایی خود است. از سال ۲۰۰۶ میلادی تا به حال درگیری ها ادامه داشته که مهم ترین آن نسل کشی پنج روزه فوریه ۲۰۰۸ توسط اسرائیل، نبرد ۲۱ روزه ۲۰۰۸، نبرد ۸ روزه ۲۰۱۲ پس از ترور فرمانده وقت شاخه نظامی حماس، نبرد ۵۰ روزه ۲۰۱۴، نبرد ماه می ۲۰۲۱ پس از یورش هزاران پلیس اسرائیلی به مسجد الاقصی، در اثر یورش ها و بمباران و گلوله باران شدید و حمله اسرائیل از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ (بر اساس آمار رسمی سازمان ملل متحد) ۵۵۹۰ فلسطینی به شهادت رسیده اند که بخش عمده آنها از اهالی غزه هستند. این در حالی است که مطابق همین آمار در این بازه زمانی فقط ۲۵۱ اسرائیلی کشته شده اند.

نگاهی به تاریخچه نبرد اعراب با رژیم صهیونیستی

مقدمه طوفان

۴ جنگ اول ۱۹۴۸

نخستین جنگ پس از تأسیس دولت اسرائیل در ۱۴ مه ۱۹۴۸ بی درنگ روی داد. نیروهای عرب از کشورهای مصر، ماوراء اردن (اردن کنونی)، عراق، سوریه و لبنان، مناطقی در جنوب و شرق فلسطین را که به یهودیان اختصاص نیافته بود، در اختیار گرفتند. سپس محله کوچک یهودی نشین شهر کهنه بیت المقدس را به تصرف درآوردند. در این ضمن، اسرائیلیان جاده اصلی به بیت المقدس را که از کوه های یهودا (یهودیه) عبور می کرد، اشغال و یورش های

۴ کانال سوئز ۱۹۵۶

بر اساس آن مقادیر مورد نیاز تسلیحات را از طریق معاهده تهاتری فروش پنبه در برابر اسلحه خریداری کرد. این اقدام ناصر باعث شد آمریکا در ژوئیه ۱۹۵۶ وعده های خود را در مورد کمک به مصر در ساختن سد آسوان پس بگیرد. بدین ترتیب، اسرائیل به هدف خود رسید.

اکتبر همان سال و در گرمای این بحران، اسرائیل به صحرای سینا حمله کرد تا پایگاه نظامی عرب ها را در آن منطقه منهدم کند. ارتش اسرائیل ظرف پنج روز غزه، رفح و غریش را تصرف کرد، هزاران اسیر گرفت و بیشتر شبه جزیره سینا را در شرق آبراه سوئز به اشغال خود درآورد. اسرائیلیان در وضعیتی قرار گرفتند که می توانستند از خلیج عقبه راه ارتباطی آبی برای خود باز کنند و مصریان را بیشتر در معرض تهدید قرار دهند. دسامبر ۱۹۵۶، پس از مداخله مشترک انگلیس و فرانسه، نیروی اضطزاری سازمان ملل در منطقه مستقر شد و ارتش اسرائیل مارس ۱۹۵۷ از آنجا عقب نشست.

۴ جنگ غرزه ۱۹۶۷

در تاریخ ۱۱ ژوئن قرارداد آتش بسی به پیشنهاد اعراب با اسرائیل به امضا رسید که به این ترتیب با شکست اعراب مساحت سرزمین های اشغالی تحت تصرف اسرائیل سه برابر شد و در حدود یک میلیون عرب که در مناطق اشغال شده زندگی می کردند به کنترل مستقیم اسرائیل درآمدند. اسرائیل بعد از پایان قرارداد آتش بس به کسانی که سرزمین های اشغالی را ترک و وارد کشورهای همسایه شده بودند اجازه بازگشت نداد و به این ترتیب موجی از آوارگان فلسطینی در کشورهای مصر، سوریه، اردن و لبنان پدید آمد. از آنجا که هیچ یک از کشورهای میزبان علاقه ای به پذیرایی از هممانان ناخوانده خود نداشتند، با تشکیل اردوگاه های پناهندگی در بیابان های خود، زندگی به دور از تمام امکانات اولیه را برایشان رقم زدند.

۴ یوم کیپور ۱۹۷۴-۱۹۷۳

نبردهای پراکنده ای که در پی جنگ شش روزه جریان داشت، سال ۱۹۷۳ را در یکی به جنگی تمام عیار تبدیل شد. ۶ اکتبر، در یوم کیپور -از روزهای مقدس یهودیان- مصر از طریق آبراه سوئز، و سوریه در بلندی های جولان، به اسرائیل حمله کرد(از این رو، این جنگ که نزد عرب ها جنگ رمضان خوانده می شود، به جنگ یوم کیپور معروف شد). ارتش های عرب در این جنگ بیش از جنگ های پیشین قدرت تهاجم و جنگندگی نشان دادند و نیروهای اسرائیلی تلفات سنگینی متحمل شدند. با این حال، ارتش اسرائیل در خاک سوریه پیشروی و با عبور از آبراه سوئز و استقرار نیروهایش در کرانه غربی آن، ارتش سوم مصر را محاصره کرد.

اسرائیل و مصر نوامبر ۱۹۷۳ موافقت نامه آتش بس، و در ۱۸ ژانویه ۱۹۷۴ موافقت نامه صلح امضا کردند. به موجب این توافق ها، اسرائیل باید در شبه جزیره سینا به غرب گذرگاه های متلا و جدی عقب نشینی می کرد و مصر هم باید از شمار نیروهای خود در کرانه شرقی آبراه سوئز می کاست. نیروی حافظ صلح سازمان ملل نیز میان دو ارتش حائل شد. موافقت نامه ای تکمیلی نیز چهارم سپتامبر ۱۹۷۵ به امضا رسید. اسرائیل و سوریه موافقت نامه آتش بس را ۳۱ می ۱۹۷۴ امضا کردند و براساس آن، منطقه حائلی زیر نظر سازمان ملل میان نیروهای آنها قرار می گرفت و زندانیان جنگی مبادله می شدند.